

تهاجم قهرمانانه سپاه قدس و متحدین که به برکت دلارها و ذخایر بی دریغ نفتی ایران اسلامی که به بهترین و مجهزترین سلاح های جهان تجهیز شده به اعضاء و رهبران مجاهدی خلق - که از طرف دشمنان ما یعنی آمریکا و انگلیس خلع سلاح شده اند - در شهر اشرف بارش خشم و غضب آن ولایت بر آنان است .

اعضای بی سلاح این سازمان که گمان می کردند تحت قوانین و حقوق بین الملل قرار دارند و از طرف دیگر حکومت عراق ما ؛ آنان را مصون خواهد داشت ناگهان تیغ برای ولایت را در فراز سر خود یافتند . حمله آنچنان سازماندهی شده بود که کسی جان سالم بدر نبرد. اسرا با دست بند اعدام شدند ؛ مجروحین که در چهار دیواری بیمارستان خود را ایمن یافته بودند با رگبار سپاه اسلام بخاک افتادند . اینان متوجه نبودند که در برابر مصلحت نظام هیچ حقوق بین المللی و قانونی ارزش ندارد همچنانکه برای تداوم حکومت ؛ اشغال لانه جاسوسی و جنگ هشت ساله با صدها هزار کشته و مجروح نیاز بود . صدها نفر از مخالفین نظام در دیگر کشورها بدست سربازان گمنام امام زمان ترور شدند . حکم انقلابی بر علیه سلمان رشدی و دیگر هتاکین به ولی فقیه و اسلام همگی برای حفظ نظام لازم بود . در سراسر جهان و ایران ؛ حتی انفجار در بارگاه ائمه اطهار در صورتی که مصلحت نظام ایجاب کند ؛ هیچ مانع حقوقی ؛ مذهبی و انسانی وجود ندارد .

این تهاجم به دشمنان اسلام نشان داد که سیاست ما در تداوم سرکوب ها و اعدام ها از سال ۱۳۵۷ یعنی حاکمیت ولایت فقیه و از کشتار مخالفین تا اعدام گسترده در کردستان حتی مجروحین ؛ نابودی دشمنان اسلام در ترکمن صحرا و قلع و قمع سال های ۱۳۶۰ و کشتار و تصفیه قاطع زندانیان سیاسی سال ۶۷ ؛ سرکوب مخالفان در سال های ۷۸ و فتنه سراسری سال ۸۸ و کشتار های مخالفین در زندان ها و در خارج همچنان محکم و تغییر ناپذیر است . این سنت از خصائل و ویژگی های تاریخی ولایت فقیه و اسلام سیاسی است .

امام خمینی با صلابت اعلام کرد که ما اشتباه کردیم که از ابتدای انقلاب چوبه های دار را بر همه چهارراه ها بر پا نکردیم؛ و اعلام نمود که "بکشیم و یا کشته شویم" پیروزیم و اگر صد میلیون نفر با حرف حق مقابله کردند محکم در مقابل آنها بایستید و همین سیاست بود که در سال ۱۳۶۷ و پس از پذیرش آتش بس در جنگ ؛ امام خمینی در سن ۸۷ سالگی و قبل از ارتحال ؛ دهها هزار زندانی را بمصلحت نظام از دم تیغ گذراند تا مردم و مخالفین ؛ که در هشت سال جنگ مطالباتشان منجمد شده بود با عدم تحقق اهداف جنگ که فتح قدس از کربلا و رفع فتنه در عالم بود هوای مخالفت و خواست مطالبات خود را از سر بدر کنند .

اصلاح طلبان فتنه گری که درک کامل و جامع از اسلام ناب محمدی و ولایت فقیه ندارند نیز در کشتار اخیر رسوا شدند زیرا آنها در دو دهه اخیر و پس از استحکام نظام عنوان می کردند که در کشتار یکصد هزار نفری در دهه ۶۰ نظام خود قربانی بوده و اگر مخالفین دست به خشونت نمی زدند و سلاح بدست نمی گرفتند حکومت نیز خشونت و اعدام نمی کرد اینان غافل بودند که امر الهی از ازل این بوده " که کفار را هر جا یافتید بکشید تا فتنه ای باقی نماند" . و قتل عام و کشتار در ابتدای انقلاب را خود شروع کردیم ؛ سپس بخشی از آنها از جمله مجاهدین مقاومت مسلحانه کردند اما بسیاری از سازمان ها و احزاب سیاسی فاقد سلاح بودند ؛ از جمله جبهه ملی مرتد تا گروهها طرفدار حقوق بشر و دموکرات و گروههای طرفدار طبقه کارگر ؛ اما در حکم خدا استثنا جایی ندارد . و اسلام فقاہتی ؛ اسیر و مجروح ؛ پیر مرد ؛ زن باردار؛ نوجوان و کودک نمی شناسد . کشتار اخیر در تداوم و زنجیره همان اعدام های قبل و نشانگر زنده بودن نظام است و حيله اصلاح طلبان هم باطل شد

این کشتار نتایجی که در کشتارها و قلع و قمع های قبل حاصل شده بود را مجدداً اثبات کرد

اول: در غرب هر چند در درون جامعه ظرفیت نقد در کلیه زمینه ها و حق مخالفت با تصمیمات دولت بسیار گسترده است اما در جائیکه سیاست خارجی و بحث منافع و حاکمیت دلار و غارت منابع است ظرفیت نقد ؛ حقوق بشر ؛ دموکراسی و آزادی رنگ باخته و نا کارآمد است . این سیاست که در تاریخ اثبات شده در رابطه غرب با مجاهدین نیز ثبوت خود را نشان داد. در کشتار اخیر که یک هماهنگی در سطح کلان داشت ؛ رادیو تلویزیون BBC و آمریکا و دیگر کشورها بخوبی نشانگر این سیاست بودند و در ابتدا مجاهدین را مهاجم و مقصر دانستند و وقتی که حضور پر صلابت نظام را درک کردند لحن را کمی تغییر دادند ؛ اما با یک سری نظر سنجی های نمایشی با سربازان گمنام امام زمان ؛ از زبان آنان مجاهدین را مقصر دانستند . بهر حال خون ها تا دوری و زمانی دیگر می بایست شسته و محو شوند

دوم: پس از شکست های نظامی - سیاسی و اقتصادی برای بهره برداری نکردن منحرفین و دشمنان ؛ کشتار مردم و معترضین که بعنوان گروگان در دست ما هستند در داخل باعث تداوم حاکمیت نظام اسلامی شده و همانند کشتار زندانیان سیاسی پس از پذیرش صلح در سال ۶۷ ضروری است .

سوم : بسیاری از مخالفین که ادعای حقوق بشر ؛ آزادی و دموکراسی دارند ؛ با این حقوق برخوردی ابزاری دارند ؛ یعنی تنها وقتی از این حقوق دم می زنند که خودشان دچار مشکل داشته و بصورت عام تعهد عملی ندارند . این نگرش ؛ کار نظام را در سرکوب جداگانه آسان می کند . همچنین بخش هایی از ملحدین و به اسم طبقه کارگر ؛ که در سال های ۵۸ تا ۶۷ خود زیر تیغ نظام بودند بجهت تغییر شرایط اجتماعی و فکری بیشتر نظاره گرند و در مقابل نفس کشتار و قتل عام حساسیت نداشته و اعتراض عملی نمی کنند . برخی منتقدین و مخالفین حتی در ته دل موافق و همراه با این گونه قتل عام ها هستند

پنجم : مسئول این کشتار علی الاصول رهبران مجاهدین بودند و ما تنها وسیله اجرای حکم الهی بوده ایم

پاسخ به منتقدین :

برخی ادعاهایی که از طرف منتقدین طرح می شود را از قبل مرود اعلام می کنیم از جمله :

۱- این کشتار به سبک دوران بربریت و توحش است . قوانین جهانی امروزه حقوق بشر ؛ حقوق اسرا و زندانیان ؛ کودکان ؛ حق آزادی و غیرو را برسمیت شناخته است .

۲- این کشتارها باعث گسترش عمق نفرت در جامعه شده و با توجه به بحرانهای اقتصادی - سیاسی موجود سرنگونی نظام را تسریع می کند . این نفرت ها نه تنها کل نظام ؛ بلکه روحانیت و حوزه ها را ریشه کن می کند

۳- با این کشتارها پرده رثت امام خمینی که اینهمه برای آن تلاش کردیم افتاده و قاطعیت امام به کینه توزی شیادی و خونخواری وی تعبیر می شود . و به این لحاظ سوابق اصلاح طلبان خدشه دار می شود .

۴- با کشتار مخالفین نابود و ریشه کن نشده اند بلکه گسترش یافته اند . و از طرف دیگر هنوز پرونده و سابقه کشتار دهه های قبل بعنوان جنایت بر علیه بشریت باز است . هنوز و پس از نیم قرن دادگاههای بین المللی ؛ در حال رسیدگی به جنایات عاملان و حتی نگهبانان آشویتس پس از نیم قرن هستند .

۵- می گویند سکوت و بی عملی در برابر این کشتار و جنایت بر علیه بشریت ؛ بنفع نظام ولی فقیه است

۶- می گویند با توجه به ماهیت و خصائل ذاتی ولایت فقیه هر کس سر سوزنی با این نظام الهی و ولی فقیه همکاری کند اساسا فاقد ذره ای شرف انسانی است

پاسخ : پاسخ در مورد ادعای اول اینست که اقدامات سرکوب و کشتار ما ؛ با حاکمیت دلار ؛ سود و منافع قدرت های بزرگ و سرمایه داری همراه است و لذا اشکالی متوجه شیوه ما نمی شود ؛ تنها وقتی مشکل می شود که نتوانیم در سطح کلان با آنها هماهنگ باشیم . بقیه ادعاها از جمله حقوق بشر ارزش پاسخگویی ندارند

یک نوب شده در ولایت